

۱۱ سپتامبر خاور میانه؛ رمز گشایی از یک همانندسازی



صادق زنگنه

نویسنده و پژوهشگر

«ما یازده سپتامبر خود را داریم، ما هفتم اکتبر را داریم، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر چه کرد؟ ما نیز دقیقاً همان کاری را کردیم که آمریکا هنگام تعقیب تروریست‌های القاعده در افغانستان و هنگام کشتن اسامه بن لادن در پاکستان انجام داد.» این جملات بخشی از سخنرانی نتانیاهو پس از حمله به قطر است. در ظاهر یک بیانی‌هی مطبوعاتی است، اما در عمل دکترین سیاسی اسرائیل را نشان می‌دهد. یک مجوز اخلاقی و سیاسی برای آغاز فصلی نوین از درگیری در خاور میانه بود. نتانیاهو با گر ه زدن سرنوشته اسرائیل به تجربه تروماتیک آمریکا، نهنتها به دنبال جلب همدردی جهانی بود، بلکه می‌خواست کارت سفیدی برای هرگونه اقدام نظامی پیش‌دستانه و فرامرزى دریافت کند؛ درست همان‌طور که آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر دریافت کرد. اما این همانندسازی، لایه‌ای عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تر را آشکار می‌کند: اگر از زاویه تئوری False Flag یا «عملیات پرچم دروغین» به آن بنگریم، چراکه این دیدگاه حول حوادث ۱۱ سپتامبر نیز وجود داشت. دهه‌هاست که تحلیل‌گران، حادثه برج‌های دوقلو را نه یک حمله تروریستی صرف، بلکه یک «بهانه» مهندسی شده برای توجیه لشکرکشی به افغانستان و عراق و بازترسیم نقشه ژئوپلیتیک منطقه می‌دانند. حال اگر این لنز شکاکانه را بر روی ۷ اکتبر قرار دهیم، به نتایج تکان‌دهنده‌ای می‌رسیم. وقتی نتانیاهو ۷ اکتبر را ۱۱ سپتامبر اسرائیل می‌نامد، ناخودآگاه تمام حواشی ۱۱ سپتامبر را به سمت عملیات ۷ اکتبر فرا می‌خواند. تمام تردیدها و سوال‌های پیرامون آن را...

اجزای عملیات طوفان الاقصی، فراتر از یک غافلگیری ساده، سوالاتی بنیادین را برمی‌انگیزد که به پازلی مشکوک و مهندسی شده اشاره دارد. این سناریو با یک شکست اطلاعاتی مطلق آغاز می‌شود؛ وضعیتی که در آن پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین سیستم‌های امنیتی جهان، موساد و شین‌بت، از عملیاتی با این مقیاس که نیازمند ماه‌ها برنامه‌ریزی بوده، کاملاً بی‌خبر می‌مانند. این غفلت ادعایی، زمانی سوال برانگیزتر می‌شود که با صحنه‌پردازی بی‌سابقه یک فستیوال موسیقی، با حضور اتباع خارجی، در آسیب‌پذیرترین نقطه مرزی غزه همراه می‌شود؛ یک خطای استراتژیک که بیش از آنکه اشتباه باشد، به یک طعمه‌گذاری عمدانه شباهت دارد. بلافاصله پس از آن، جنگ روایت‌ها با تصویربرداری حرفه‌ای و انتشار فوری صحنه‌هایی وحشیانه، مانند نمایش جنازه نیمه‌برهنه یک دختر جوان، کلید خورد؛ اقدامی که با تضاد کامل با آموزه‌های دینی و فرهنگی حماس، به نظر می‌رسد تنها برای بسیج افکار عمومی جهانی و مشروعیت‌بخشی به یک انتقام خونین طراحی شده بود. در نهایت، این پازل با رویکرد تقدیس قربانی به جای نجات گروگان تکمیل می‌شود. رفتار نتانیاهو و کابینه جنگی‌اش به وضوح نشان می‌دهد که نجات جان گروگان‌ها هرگز اولویت اصلی نبوده است؛ آن‌ها به عنوان قربانیانی مقدس، سوخت لازم برای برافروختن آتش خشم عمومی و توجیه پاکسازی قومی در غزه بودند. اگر هدف نجات بود، دیپلماسی به بمباران مقدم می‌شد، اما چون هدف جنگ بود، قربانیان بیش از زنده‌ها ارزش داشتند.

این عملیات، به اسرائیل بهانه‌ای طلایی داد تا غزه را با خاک یکسان کند، اما اهداف واقعی بسیار فراتر از غزه بود. زنجیره حوادث

پس از آن را مرور کنیم: حمله مستقیم به کنسولگری ایران در دمشق، ترور فرماندهان ارشد سپاه، ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران، ترور سیدحسن نصرالله، حملات گسترده به لبنان، جنگ ۱۲ روزه با ایران و ترور سران بلندپایه‌ی نظامی و نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، و در نهایت حمله به قطر: یک هم‌پیمان کلیدی آمریکا و میانه‌جی صلح. این‌ها اقدامات تلافی‌جویانه نیستند؛ این‌ها فازهای بعدی همان پروژه ۷ اکتبر هستند.

در کانون این پازل پیچیده، شخصیت مبهم یحیی سنوار قرار دارد؛ شخصیتی که هرگونه پرسشگری درباره نقش او تا دیروز جرم‌انگاری می‌شد، اما امروز واکاوی جایگاه او یک ضرورت انکارناپذیر امنیت ملی است. برای فهم نقش او، سه سناریوی محتمل را می‌توان ترسیم کرد: در سناریوی خوش‌بینانه، او و تیمش قربانی تحلیل‌های استراتژیک فاجعه‌بار یا مشاوران نفوذی شده‌اند و نتوانستند پیامدهای ویرانگر اقدام خود را پیش‌بینی کنند. سناریوی واقع‌بینانه‌تر، او را در یک «عمل انجام‌شده» قرار می‌دهد که توسط حلقه‌ای از معتمدین خائن طراحی و اجرا شده است. و سرانجام، در سناریوی تکان‌دهنده، سنوار نه قربانی، بلکه خودمهره اصلی و عامل‌اندازه پروژه‌ای بزرگ برای کشاندن کل محور مقاومت به یک جنگ فرسایشی و نابودگر بوده است. (در حد احتمالی که همچنان نیاز به بررسی کارشناسی دارد نه نظر قطعی) خطرناک‌تر از هر سناریویی درباره سنوار است. جریان‌هایی که هرگونه پرسشگری و تحلیل انتقادی از ۷ اکتبر را با برچسب «خیانت» و «نفوذ» سرکوب کردند. این جریان‌ها، عملاً به دشمن اجازه دادند تا روایت خود را غالب کرده و برای حمله به منافع حیاتی ایران، مشروعیت بسازد. این افراد و این تفکر، یک نقطه کور امنیتی برای ایران محسوب می‌شوند که باید شناسایی و رصد شوند.

بازخوانی سخنان نتانیاهو اکنون معنای هولناکی می‌یابد. همان‌طور که ۱۱ سپتامبر بهانه‌ی «جنگ علیه ترور» و اشغال کابل و بغداد شد، پروژه ۷ اکتبر نیز مقدمه‌ای برای «جنگ علیه محور مقاومت» است. نتانیاهو با تکرار الگوی بوش، به دنبال مجوزی برای بازآرایی بزرگ خاور میانه به نفع اسرائیل است؛ پروژه‌ای که هدف نهایی آن نه حماس، بلکه کشاندن جنگ به قلب تهران و مهار قدرت منطقه‌ای ایران است. در برابر چنین سناریوی مهلکی، ایران باید با در نظر گرفتن بدترین حالت (Worst Case)، به سرعت به انسجام داخلی بازگردد و از ایجاد شکاف و درگیری با مردم به‌ویژه نسل جوان خودداری کند. اولویت‌های انحرافی و خاک‌بازی‌های سیاسی، از جدال بر سر کنسرت تا محدودیت‌های اجتماعی در کافه‌ها و بستن کسب‌وکارها را باید به سرعت کنار گذاشت. این موارد می‌تواند بخشی از نقشه‌ای باشد که برای ایران کشیده‌اند. باید خط و ربط‌دهندگان حکومت به این مسیر را دریافت و توجیه کرد. چه آنان که جلوی دفتر شورای امنیت ملی تجمع می‌کنند و چه آنان که به وزیر خارجه دشنام می‌دهند. ایشان ناخواسته(?) در سناریوی احتمالی از پیش تعیین شده بازی می‌کنند؛ مگر نمی‌دانند که وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی به‌صورت فردی اداره نمی‌شوند؟ از طرفی جبر طبیعت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. نسل ما به پایان عمر سیاسی و تاثیرگذاری خود نزدیک می‌شود. باید زبان و دغدغه‌های جوانان امروز، صاحبان ایران آینده را درک کرد و آرزوها و آرمان‌های نرسیده‌ی مان را فدای آشتی با آنها کرد؛ که اگر چنین نشود، دیگران با زبانی جذاب‌تر دل و ذهن آن‌ها را به دست خواهند آورد و بزرگترین شکست استراتژیک در خاک خودی رقم خواهد خورد.

شورای امنیت با قطعنامه ادامه لغو تحریم‌های ایران موافقت نکرد

نقطه؛ سر خط

گروه خبر: با رای منفی ۹ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیش‌نویس قطعنامه «تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران»، روند بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به جریان افتاد. در صورتی که تحول خاصی حادث شود و توافقی میان ایران، آمریکا و اروپا به دست بیاید، در چند روز باقی‌مانده می‌توان جلوی بازگشت قطعنامه‌ها را گرفت. از میان ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل، چین، روسیه، پاکستان و الجزایر به این قطعنامه رای موافق، بریتانیا، فرانسه، آمریکا، سیرالئون، اسلواونی، دانمارک، یونان، پاناما و سومالی رای مخالف و گویان و کره جنوبی رای ممتنع دادند. همچنین ایرنا گزارش داد که چین و روسیه در بیانیه‌ای مشترک رسماً اعلام کردند که بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را غیرقانونی و نامعتبر می‌دانند و به آن‌ها پایبند نخواهند بود.

▼ موضع رسمی ایران در برابر اقدام تروینکا

ساعتی پس از برگزاری این جلسه در نیویورک، وزارت امور خارجه در بیانیه‌ای رسمی به اقدام کشورهای غربی در شورای امنیت واکنش نشان داد. در این بیانیه، ضمن محکوم کردن قطعنامه مذکور، آمده است: «به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ همه قطعنامه‌های شورای امنیت که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ علیه ایران وضع شده بود، خاتمه یافت و مقرر گردید موضوع هسته‌ای ایران در سپتامبر ۲۰۲۵ از دستور کار شورای امنیت خارج شود. اقدام مخرب سه کشور اروپایی برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت در حالی صورت می‌گیرد که تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران مورد حملات غیرقانونی رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفته و آسیب دیده‌اند؛ حملاتی که آشکارا منشور ملل متحد را نقض کرده، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته و بنیان‌های رژیم عدم اشاعه را به شدت تضعیف نموده است. سه کشور اروپایی نه تنها از محکوم کردن این اقدامات تجاوزکارانه خودداری کردند بلکه با سوءاستفاده از سازوکار حل اختلاف برجام، مرتکب اقدام غیرقانونی مضاعفی می‌شوند.» در بیانیه وزارت امور خارجه به این موضوع اشاره شده است که کشورهای اروپایی با بهانه‌جویی و زیاده‌خواهی، توافق منعقدشده در روز ۹ سپتامبر میان ایران و آژانس در قاهره را نادیده می‌گیرند.

در ادامه این بیانیه پنج نکته مورد تأکید قرار گرفته است: «۱- اقدام امروز سه کشور اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای تکمیل فرایند بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت، اقدامی غیرقانونی، ناموجه و تحریک‌آمیز است که روندهای دیپلماتیک جاری را به شدت تضعیف می‌کند. ۲- مسئولیت کامل پیامدهای این اقدام، در صورتی که منجر به بازگشت قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت علیه ایران شود، بر عهده آمریکا و سه کشور اروپایی است که با تحریف واقعیت‌ها و طرح ادعاهای بی‌اساس، برخی کشورهای غیردائم عضو شورای امنیت را نیز برای همراهی کردن با خود تحت فشار قرار دادند.

۳- اقدام امروز در تکمیل فرایند بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت، بدون اجماع و علی‌رغم مخالفت جدی تعدادی از اعضای شورا امنیت صورت گرفت که ضمن تضعیف بیش از پیش اعتبار شورای امنیت، ضربه‌ای به دیپلماسی و نیز رژیم عدم اشاعه محسوب می‌شود. ۴- برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مبتنی بر خواست و اراده ملت ایران برای پیشرفت و توسعه علمی و فناوریانه است و ملت ایران در این مسیر مصمم است. جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر پیگیری منافع و حقوق خود، از جمله از مجرای دیپلماسی، حق پاسخ‌گویی متناسب به هر اقدام غیرقانونی را محفوظ می‌دارد. ۵- جمهوری اسلامی ایران از تمامی اعضای مسئول جامعه بین‌المللی می‌خواهد اقدام غیرقانونی امروز سه کشور اروپایی در شورای امنیت را مردود دانسته و از هرگونه مشروعیت‌بخشی به آن خودداری کنند.»

▼ شورای امنیت فرصت گفت‌وگو را بر باد داد

امیرسعید ابروانی، نماینده دائم و سفیر ایران در سازمان ملل که در این نشست حضور داشت، به انتقاد از رفتار کشورهای غربی در قبال ایران پرداخت و گفت: «آمریکا و تروئیکا به جای پذیرش این مسیر عقلانی، تشدید، فشار و تفرقه را برگزیدند. این تناقض میان گفتار و اقدامات آنان بار دیگر ثابت می‌کند که قصد واقعی‌شان نه دیپلماسی، بلکه تشدید تنش است. آنان اکنون باید مسئولیت کامل بحرانی را که خود ساخته‌اند بر عهده گیرند.»

وی تصریح کرد: «اقدام امروز شتابزده، غیرضروری و غیرقانونی است. ایران هیچ الزامی برای اجرای آن قائل نیست. مسئولیت پیامدهای وخیم آن به طور کامل بر عهده آمریکا و تروئیکا است که اتهامات ساختگی علیه ایران تراشیدند و در عین حال حملات مجرمانه رژیم اسرائیل به تأسیسات تحت پادمان را ممکن ساختند.» ابروانی تأکید کرد: «این اقدام، بدون اجماع، شورا را تضعیف می‌کند، دیپلماسی را خدشه‌دار می‌سازد و رژیم عدم اشاعه را به خطر می‌اندازد. برنامه هسته‌ای ایران نه با بمب نابود خواهد شد، نه با تحریم متوقف خواهد گشت، و نه از مسیر صلح‌آمیز خود منحرف خواهد شد. در دیپلماسی بسته نیست؛ اما این ایران خواهد بود، نه دشمنانش، که تصمیم خواهد گرفت با چه کسی و بر چه مبنایی وارد تعامل شود.»

▼ صف‌بندی موافقان و مخالفان بازگشت قطعنامه‌ها

واسیلی نینزیا، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل، سه کشور اروپایی را متهم به نیت سوء و استفاده از ابزار زور علیه ایران کرد و گفت که یک هفته از مهلت سی‌روزه باقی‌مانده است و از کره جنوبی به عنوان رئیس دوره‌ای شورای امنیت، به دلیل به جریان انداختن نشست، انتقاد

شورای امنیت با قطعنامه ادامه لغو تحریم‌های ایران موافقت نکرد



کرد. نماینده روسیه، سه کشور اروپایی را ناقض برجام معرفی و از این کشورها و آمریکا به دلیل نادیده گرفتن قطعنامه پیشنهادی کشورش برای تمدید برجام، انتقاد کرد.

فو کونگ، نماینده دائم چین در سازمان ملل نیز در اظهاراتی کوتاه از تصمیم سه کشور اروپایی انتقاد کرد و آن را عجولانه دانست. **جرومه بونافونت، نماینده فرانسه** با توضیح موضع کشورش در قبال تداوم «تعلیق تحریم‌ها در قالب برجام» اعلام کرد که دولت فرانسه قادر به تأیید چنین تمدیدی نیست. او با توضیح دامنه فعالیت هسته‌ای کشورمان، اعلام کرد که ایران، اورانوم غنی‌شده کافی برای ۱۰ بمب هسته‌ای را در اختیار دارد و تنها کشور غیرهسته‌ای است که در این سطح غنی‌سازی کرده است. نماینده فرانسه هشدار داد که عدم همکاری ایران و آژانس و بی‌اطلاعی از «همه ابعاد برنامه هسته‌ای ایران»، در شرایطی که مطابق توافق برجام، باید آگاهی کاملی در میان باشد، پذیرفتنی نیست.

پس از رای‌گیری درباره این قطعنامه، بار دیگر نماینده کشورها به اظهارنظر پرداختند.

باربارا وودوارد، نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل، درباره برنامه هسته‌ای ایران هشدار داد و گفت: «سطح فعالیت ایران، به عنوان برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، قابل تأیید نیست.» او نیز مانند دیپلمات فرانسوی، اعلام کرد که یک هفته برای همکاری ایران تا روز رسمی جریان یافتن بازگشت تحریم‌ها فرصت باقی است و به‌زعم خود از عدم همکاری ایران ابراز تأسف کرد. نماینده بریتانیا اعلام کرد که آن‌ها آماده گفت‌وگو با ایران ظرف یک هفته آینده هستند.

نماینده روسیه پس از رای‌گیری بار دیگر انتقادات خود نسبت به تروئیکای اروپایی را تکرار و خواستار رای‌گیری درباره پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی مسکو وکن شد؛ قطعنامه‌ای که با تمدید ۲۲۳۱، فرصتی ۶ ماهه برای دیپلماسی ایجاد می‌کند. کونگ، دیپلمات ارشد چینی نیز آنچه رخ داد را «نشت و بی‌عدالتی» نامید و یادآوری کرد که حمله اسرائیل به ایران باید محکوم شود او اشاره کرد که استفاده از زور کار خوبی نیست و نباید از زور استفاده شود. او نیز مانند نینزیا، دیپلمات روسیه خواهان رای‌گیری درباره پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی مسکو و پکن شد.

همچنین نماینده آمریکا در سخنان خود اعلام کرد: «ایران به تعهدات خود پایبند نبوده است. سه کشور اروپایی تا به اینجا در برجام باقی مانده‌اند و به آن تعهد بودند و می‌توانستند در همان سال ۲۰۱۹، اسنپ‌بک را فعال کنند.»

او با تقدیر از اراده اروپا، رسماً به ایران اعلام کرد که دولت ترامپ، همانطور که شخص او بارها گفته است، آماده مذاکره است. او به صراحت اعلام کرد که این تعامل دیپلماتیک می‌تواند قبل یا بعد از به جریان افتادن روند تحریم‌ها، جدیت دوباره بیابد. این دیپلمات آمریکایی در ادامه مدعی شد که «جامعه بین‌المللی نباید تلاش‌های ناقص ایران در پرونده هسته‌ای‌اش را ببذیرد.»

نماینده دانمارک در سازمان ملل نیز، توافق ۲۰۱۵ برجام را نقطه عطف تاریخ تعاملات دیپلماتیک و دستاوردی عظیم توصیف کرد. او از نقض تعهدات برجامی ادعایی از سوی ایران، ابراز تأسف و به بیش از ۶۰ گزارش رسمی آژانس درباره نقض‌های تعهدات اشاره کرد. او گفت: «ایران دو ماه است فرصت برای رسیدگی به نکات و نقاط مورد ایراد را داشته است و این فرصت را از دست داده است. از این رو است که دولت دانمارک به قطعنامه تأیید پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای، رأی منفی داده است. رأی امروز، بستن درهای تعامل دیپلماسی نبود... گشودن درهای تعامل بود.»

▼ استقبال وزیر خارجه اسرائیل از تحریم دوباره ایران

گیدئون سعار، وزیر خارجه رژیم اسرائیل در شبکه ایکس (توییتر) نوشت: «امروز، شورای امنیت سازمان ملل متحد به بازگرداندن تحریم‌های گسترده علیه ایران رأی داد که از ۲۸ اکتبر لازم‌الاجرا است. برنامه هسته‌ای ایران برای اهداف صلح‌آمیز در نظر گرفته نشده است. یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای به این معنی است که خطرناک‌ترین رژیم، خطرناک‌ترین سلاح را در اختیار دارد که به طور چشمگیری ثبات و امنیت جهانی را تضعیف می‌کند. هدف جامعه بین‌المللی باید بدون تغییر باقی بماند: جلوگیری از دستیابی ایران به قابلیت‌های هسته‌ای برای همیشه.»

▼ اروپا از ایران چه می‌خواهد؟

لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال در توییتر نوشت: «مطالبات واقعی سه کشور اروپایی (E۳): از سرگیری کامل نظارت‌ها، نه یک وعده برای تصمیم‌گیری موردی درباره دسترسی. گام‌های ملموس در این مسیر با ارائه گزارش‌ها و مقداری دسترسی. از سرگیری مذاکرات آمریکا درباره یک توافق هسته‌ای، نه صرفاً یک پیشنهاد موقت درباره اورانوم با غنای بالا (HEU). اقدام واقعی درباره ذخایر، نه فقط یک نقشه‌راه برای رسیدن به آن. این خنده‌دار است که موضع ایران از «گروسی یک جاسوس است که عملاً دارد جنگ را تحریک می‌کند» به این تغییر کرده که «چون گروسی از توافق قاهره خوشش آمده، پس سه کشور اروپایی باید آن را ببپذیرند.» سه کشور اروپایی صبح فردای توافق قاهره خیلی واضح به گروسی گفتند که این کافی نیست.»

▼ تماس‌های عراقی با کره جنوبی و آژانس

عراقی‌ی جمعه دو تماس با چو هیون، وزیر امور خارجه کره جنوبی، به عنوان رئیس دوره‌ای شورای امنیت (پیش از جلسه شورای امنیت) و



شب چهره‌های سیاسی؛ سکوت ناطق شکسته نشد

چگونگی کمک به عبور کشور از مشکلات جاری، خواستار فعالیت بیشتر چهره‌های حاضر در مجلس شد.

در پایان، **سیدمحمد خاتمی** با تجلیل از تلاش‌های آقای کروی‌ی در دوران قبل و بعد از انقلاب، او را یکی از سرمایه‌های کشور دانست.

علی اکبر ناطق نوری در این جلسه، حاضر به شکستن سکوت خود نشد و ظاهراً نظرش بر این بود که توصیه برای اصلاح امور کشور گوش شنوایی ندارد.

گروه خبر: پنجشنبه شب جمعی از چهره‌های سرشناس روحانی و سیاسی در منزل غلامحسین کرباسچی گرد هم آمدند.

در این دیدار مهدی کروی‌ی، علی اکبر ناطق نوری، سیدمحمد خاتمی، عبدالله نوری، مسیح مهاجری و شماری دیگر از شخصیت‌های روحانی و سیاسی حضور داشتند. **مهدی کروی‌ی** با بیان خاطراتی از مبارزات قبل از انقلاب و انتخابات سال ۸۸ و دوران حصر، نسبت به شرایط کشور اظهار نگرانی کرد.

پس از آن **مسیح مهاجری** با طرح پرسش‌هایی در مورد